



13 آگست 2014

داکتر سید عبدالله کاظم

باز هم تأملی بر "موافقتنامه" دو کاندید ریاست جمهوری

از مطالعه نوشته های پرمحتوا و عمیق بعضی از دانشمندان کشور که در رسانه ها بازتاب می یابند و میرا از احساسات و بازی با کلمات می باشند، حظ می برم و از آن بسیار می آموزم، از جمله نوشته های عالمانه جناب ف. هیرمند در مسائل حقوقی است. جناب شان در مقاله اخیر خود تحت عنوان: "چگونگی و اندازه قانونیت توافق نامه اخیر دو تیم نامزد های انتخاباتی" به مطالب بس مهم اشاره کرده اند که در خور تمجید و تأمل اند، لذا خواستم به بعضی نکات آن بیشتر روشنی اندازم.

جناب شان این سؤال را مطرح کرده اند که: «نامزدهای محترم دور دوم انتخابات ریاست جمهوری کشور که تا هنوز سرنوشت برنده و بازنده شدن آنها نامسلم تلقی میشود، از کجا چنین حق و صلاحیتی دریافت کردند که بنشینند و قلم بردارند و همه ارزش های قانونی که مردم ما آنها را تصویب نموده و طی سالها رعایت و تحقق آنها را عملاً تجربه کرده اند، باطل اعلام کرده و برای خود حق و صلاحیت بدهند، اراده مردم کشور را که در قانون اساسی ما رقم خورده است، خنثی و بی اثر اعلام کنند؟؟»

در این ارتباط باید عرض کنم که در کشور ما کجا مسئله "حق و صلاحیت" مطرح است، طوریکه در مقاله قبلی خود نوشتم: «آب زور سربالا می رود» و اصلاً کسانی در راس امور قرار دارند که با نحوه استدلال خود چنان می پندارند که گوئی همه مردم "کر و کور" اند و حقیقت را نمیدانند و فقط آنها استند که دانش افلاطونی دارند. برای اثبات این گفته توجه را بیک مصاحبه احمد ولی مسعود جلب میکنم که یکی از اعضای برجسته تیم "اصلاحات و همگرایی" بوده و خود را یکی از اراکین پر قدرت سیاسی در کشور میداند. این مصاحبه را بار اول چندی قبل از تلویزیون شنیدم و در جستجوی متن آن بودم، تا اینکه آنرا در این روزها در فیسبوک یافتم و متن آنرا عیناً در قید قلم آوردم که اینک خدمت تقدیم میشود؛ لطفاً آنرا با دقت بخوانید:

خبر نگار از ولی مسعود می پرسد: «آقای مسعود مطمئن هستید که انتخابات افغانستان نتیجه بدهد و برنده و بازنده اصلی خود را داشته باشد؟»

ولی مسعود در جواب میگوید: «انتخابات افغانستان نباید برنده و بازنده داشته باشد. شرایط افغانستان طوریست که گل باید برنده شوند، نه اینکه برنده و بازنده داشته باشد. ما در یک حالت و وضعیت نورمال بسر نمی بریم، شرایط کشور یک شرایط عادی نیست، یک شرایط استثنائی فوق العاده است. ببیند ما بحران ها داریم، ما چالش ها پیش روی خود داریم، ما تهدید های بالفعل داریم، ما مسائل جنگ داریم، ما مسائل انتحاری داریم، ما انفجار داریم، مشکلات اقتصادی داریم. بسیار زیاد مشکلات داریم، پس برنده و بازنده یک مسئله بسیار بی معنی است. ولی مسعود می افزاید: «ما در کشور در این شرایطی نیستیم که بگوئیم خودت بازنده و من برنده شوم، این بسیار بی معنی است. به کسانی که این ادعا را می کنند، از شرایط افغانستان قطعاً خیر ندارند و از مسائل سیاسی قطعاً بوی نبرده اند و فکر میکنند که دموکراسی همین است که برانیم به جان انتخابات عادلانه و شفاف بچسبیم تا برنده و بازنده معلوم شود، پس همین دموکراسی است؟ اینطور نیست، دموکراسی از خود راه کار ها دارد، میکانیزم دارد، ساختارها دارد، شیوه دارد، شرایط دارد، شرایط اجتماعی دارد و تمام این گپ ها را دارد. ما چرا همیشه فکر میکنیم، یک تعداد ما که فقط نو به دموکراسی آشنا شدیم، فکر میکنیم که همین دیگر انتخابات است که برنده و بازنده معلوم میشود که گپ ها پیش برود؛ نمیروند!»

ولی مسعود در ادامه گفتار تصریح میکند: «ما یک کشور کثیرالاقوام هستیم، یک جامعه ناهمگون هستیم، ما شرایط خاص خود را داریم، حتی مدل دموکراسی ما یک مدلی نیست که با شرایط افغانستان وفق کند. ما بسیار مشکلات داریم، پس آنچه اهمیت دارد در شرایط فعلی حفظ و بقای ملی افغانستان بسیار اهمیت دارد که خدای ناخواسته نشود که پارچه پارچه و توته توته شویم. پس به آن نسبت است که برنده و بازنده مفهوم ندارد. بلی انتخابات صد فیصد باید صورت گیرد بالاخره از همین طریق انتخابات بود که از بین یازده کاندید، دو کاندید بیرون شدند و این دو کاندید حالا

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

طوری که شرایط ایجاب میکند، باید با هم یک دولت وحدت ملی بسازند تا بتوانند اینکه این حالت بحرانی را یا این حالت گذار را عبور موفقانه بدهیم به فردای آن با ثبات باشد. پس اگرما فقط از تمام دموکراسی همین را بگیریم که به جای اینکه و الله انتخابات شفاف و شمارش آراء، همین را داشته باشیم، غلط است».

به نظر ولی مسعود: «ما در یک حالت و وضعیت نورمال بسر نمی بریم، شرایط کشور یک شرایط عادی نیست، یک شرایط استثنائی فوق العاده است». تعجب در اینجا است که تا قبل از انتخابات شرایط عادی بود و تیم شان کاندید خود را معرفی کرد و انتخابات را یک گزینه قانونی برای برد و باخت محسوب کردند، اما چه شد که وقتی نتایج انتخابات بر وفق مرام شان بار نیامد، دفعته همه چیزها تغییر کرد و با تهدیدهای و اخطارها در زیر خیمه لویه جرگه حالت از شکل عادی به غیر عادی برگشت؟ این توجیه نادرست مبنی بر شرایط غیر عادی فقط میتواند بهانه ای برای دسترسی در یک قسمت قدرت باشد، چنانکه ولی مسعود می خواهد توجه را به این نکته جلب کند و می گوید که: «از آنچه اهمیت دارد در شرایط فعلی حفظ و بقای ملی افغانستان بسیار اهمیت دارد که خدای ناخواسته نشود که پارچه پارچه و توته توته شویم». این گفته بیانگر یک نوع تهدید به جنگ و قیام مسلحانه است، در غیر آن پارچه پارچه شدن یک مفهوم بی محتوا خواهد بود.

چه میتوان گفت در برابر همچو استدلال و قبحانه و طفلانه که از زبان کسانی شنیده میشود که یکی از آنها یک دهه سفیر کشور در یک مرکز بزرگ سیاسی و آنها در یک مرحله حساس تاریخی بود و اکنون در ردیف بزرگان و نظریه پردازان تیم "اصلاحات و همگرایی" قرار دارد.

به سخن رسای حضرت بیدل اگر اکتفا شود، باید گفت:

**نزد ما بیدل جواب مدعی دشوار نیست
از لب خاموش، فکر انتقامش کرده ایم**

گمان میکنم جای دارد تا متن گفتار فوق را در یک بخش دیگر ستون نظر سنجی به غرض نقد علاقمندان قرار داد تا هریک در مورد برداشت های خود را از این بیانات سفسطه سرایانه ولی مسعود در قید قلم آورند.

جناب هیرمند در مورد موافقتنامه دو کاندید درست فرموده اند که: «ما در قوانین کشور ماده و حکمی را که چنین یک سند را اعتبار حقوقی بدهد، سراغ نداریم. اگر بخواهیم مماثل آنرا در گذشته ها جست و جو کنیم، بلی چنین نمونه های را خواهیم یافت؛ این شیوه، طرز کار نظام ها و وضعیت سیاسی بوده است که زورمندان مسلح کارد بر گلو مردم گذاشته و امیال خویش را به جبر و اکراه بر آنان تحمیل نموده اند.»

بلی! همین حالا در تحلیل ولی مسعود عین حالت نمایان میگردد و فقط با تهدید به زور است که گفته میشود انتخابات «برنده و بازنده ندارد»، در غیر آن انتخابات یگانه طریقی است که برنده و بازنده را مشخص می سازد. ولی مسعود از یکطرف به نقش انتخابت در دوره اول که از یازده کاندید، دو کاندید را تعیین کرد، اعتراف میکند، و از طرف دیگر در دور دوم به نقش انتخابات یکدم قلم بطلان می کشد و می گوید که: «انتخابات افغانستان نباید برنده و بازنده داشته باشد. شرایط افغانستان طوریست که کُل باید برنده شوند». یا للعجب به این ادعای ضد و نقیض!

یک اصل مسلم است که هر کار و هر تعهد، موافقت، وعده و امثال آن (به شکل عرفی یا رسمی) که مغایر با قانون صورت گیرد، مدار اعتبار قانونی نیست. به این اساس طوری که من در مقاله قبلی تصریح کرده ام، امضای موافقتنامه و اعلامیه مشترک دو کاندید در بسا موارد صریحاً با قانون اساسی کشور در تناقض بوده و بنأ در حال و در آینده از اعتبار قانونی و ضمانت اجرایی بر خوردار نمی باشد.

در مورد ریاست اجرایی در نوشته های قبلی به تفصیل بیان شده است: تا زمانیکه قانون اساسی تعدیل نگردیده و نظام ریاستی پابرجاست، موجودیت یک صدراعظم و یا ایجاد همچو پست و تفویض صلاحیت بیک شخص بطور "کُل"، ولو که رئیس جمهور خواسته باشد، از نظر قانونی راه ندارد، و اما اگر رئیس جمهور فقط یک "قسمت"

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

صلاحیت اجرائیوی خود را از طریق یک فرمان بیک شخص یا یک اورگان تفویض میکند که آن شخص و یا اورگان نزد رئیس جمهور مسئول بوده و بر طبق هدایت او اجراء نماید، از نظر قانونی تفویض همچو صلاحیت مانع ندارد، چنانکه همین حالا دیده میشود که ریاست دفتر رئیس جمهور دارای یک تعداد زیاد صلاحیت اجرائیوی می باشد و همچنان ریاست اداره امور و بعضی ادارات دیگر که در چوکات ریاست جمهوری فعالیت دارند.

موضوع بسیار مهم دیگر همانا "تعدیل نظام" است که مطابق به مواد قانون اساسی از وظیفه لویه جرگه محسوب میشود. از آنجائیکه قانون اساسی بطور غیرمستقیم در ماده 64 و 71 "نظام ریاستی" را برای کشور تعیین کرده است، تعدیل آن نیز از طریق تعدیل همین دو ماده میسر است، البته با ایزاد مواد دیگر. جای شک نیست که با تغییر نظام در قانون اساسی از نظام ریاستی به نظام شیبیه صدارتی یا پارلمانی بسا مواد قانون اساسی در ارتباط با این موضوع باید تغییر نمایند و به فرموده جناب هیرمند اینکار یک جراحی عمومی در قانون اساسی را نیاز دارد، از جمله تعدیل برخی از صلاحیت های رئیس جمهور به حیث رئیس حکومت و ایزاد مواد مربوط به صلاحیت ها و وظایف صدراعظم و همچنان موضوعات مهم دیگر که بحث روی آن مسائل را باید در وقت آن موکول کرد.

قابل تذکر است که قانون اساسی ساخته ای دست مردم بوده وهدف آن بطور کل تنظیم بهتر امور مهمه یک کشور میباشد که در پرتو آن سائر قوانین شکل گرفته و جامعه را نظم می بخشد. متأسفانه طی ده سال گذشته دیده شد که نظام ریاستی عملاً به یک نظام مطلقه تغییر جهت داده و رئیس جمهور از نظر صلاحیت های قانونی بیک "سلطان مطلق العنان" تبدیل گردیده است. با این وضع جدال بر سر قدرت موجب شده تا کشور به یک بحران عمیق چند جانبه کشانیده شود و در قبال آن هر قدرتمند بکوشد به هر قیمت خود را در این جایگاه "سلطانی" قرار دهد. برای رفع این معضله که احتمال دارد همیشه انتخابات را به بن بست و مشکل جدی مواجه سازد و بحران سیاسی را عمداً و به بهانه های مختلف ایجاد نماید، تعدیل قانون اساسی به مقصد محدود ساختن صلاحیت های "سلطانی" رئیس جمهور یگانه راه است.

لازم نیست که قانون اساسی حتماً باید برای سالها دست نخورده باقی بماند، بخصوص قانون اساسی که زیر فشار بیرونی و معامله گریهای داخلی برای پیشبرد اهداف خاص شکل گرفته باشد. اینکه چه تغییر میتواند مقتضی به حال کشور در قانون اساسی و تعدیل نظام مطرح گردد، موضوعی است که بهتر خواهد بود بحث ها را پیرامون آن به آینده و در زمان آن موکول کرد، در غیر آن طرح این موضوع در این مرحله حساس که لازم است بیشتر به رفع مشکلات موجود پرداخته شود تا به مسائل بعدی، ممکن است موجب مغشوشیت اذهان گردد (پایان)

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ